

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۴۹۸۳۶۲

# احتماد و تسلید

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

دروس:

هادی نجفی

به قلم:

مصطفی الهادای دستجردی

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: نجفی، هادی، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: اجتهاد و تقلید: دروس هادی نجفی / به قلم مصطفی الهدادی دستجردی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۴۶۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۶۰-۳ -
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۴۵۱] - ۴۶۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: دروس هادی نجفی.
موضوع	: اجتهاد و تقلید Ijtihad and taqlid
شناسه افزوده	: الله دادی دستجردی، مصطفی، ۱۳۶۰ -
رده بندی کنگره	: BP۱۶۷
رده بندی دیویی	: ۲۹۱۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۸۷۸۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

www.ketab.ir

نام کتاب	: اجتهاد و تقلید
ناشر	: چتر دانش
دروس	: هادی نجفی
به قلم	: مصطفی الهدادی دستجردی
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۴۰۳
شمارگان	: ۱۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۶۰-۳ -
قیمت	: ۳۲۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸  
تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳  
پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com  
کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## فهرست

پیشگفتار به قلم محرّر ..... ۹

### فصل نخست اجتهاد / ۱۳

گفتار نخست: معانی اجتهاد ..... ۱۳

معنای لغوی ..... ۱۳

معنای اصطلاحی ..... ۱۳

معنای استعمالی ..... ۱۴

معنای نخست: بذل جهد و بلاغ فکری ..... ۱۴

معنای دوم: استنباط حکم بر اساس بکار در ادله شرعی ..... ۲۸

معنای سوم: نوعی ملکه نفسانی بر استنباط حکم ..... ۳۴

گفتار دوم: معانی تفقه ..... ۳۶

معنای لغوی ..... ۳۶

معنای عرفی و اصطلاحی ..... ۳۸

گفتار سوم: پیش‌نیازهای تفقه ..... ۶۰

نوع نخست: علوم ادبی و بلاغی ..... ۶۲

نوع دوم: شناخت حدیث و روایت آن ..... ۶۵

نوع سوم: علم رجال ..... ۷۶

نوع چهارم: وقوف به آراء و نظرات عامه (فقه مقارن) ..... ۸۶

نوع پنجم: تفسیر قرآن ..... ۸۹

نوع ششم: دانش اصول فقه ..... ۹۰

گفتار چهارم: آثار اجتهاد ..... ۹۳

(۱) إفتاء (اظهار نظر در فروع فقهی) ..... ۹۳

(۲) قضاوت ..... ۱۱۰

گفتار پنجم: تجزی ..... ۱۳۵

- ۱۳۵ ..... ماهیت تجزی
- ۱۳۷ ..... دیدگاه محقق خراسانی قدس سره و نقد آن
- ۱۳۸ ..... احکام تجزی

### فصل دوم: تخطئه و تصویب / ۱۴۴

- ۱۴۴ ..... گفتار نخست: تصویب
- ۱۴۵ ..... تصویب اشعری
- ۱۴۶ ..... تصویب معتزلی
- ۱۴۶ ..... دیدگاه محقق خراسانی قدس سره و نقد آن
- ۱۵۱ ..... گفتار دوم: تخطئه
- ۱۵۱ ..... ادله اثبات تخطئه
- ۱۵۶ ..... موارد وجود مصلحت در جعل طرق و امارات و اصول
- ۱۵۷ ..... دیدگاه محقق خوئی قدس سره و نقد آن

### فصل سوم: تبدل رأی مجتهد / ۱۶۰

- ۱۶۰ ..... دیدگاه محقق خراسانی قدس سره
- ۱۶۱ ..... ادله محقق خراسانی قدس سره بر دیدگاه مشایخ
- ۱۶۴ ..... ادامه بیان محقق خراسانی قدس سره
- ۱۷۰ ..... مسأله: قول به اجزاء در غیر نماز
- ۱۷۰ ..... دیدگاه محقق یزدی قدس سره
- ۱۷۲ ..... ادله قول به اجزاء

### فصل چهارم: احتیاط / ۱۷۸

- ۱۷۸ ..... تعریف احتیاط
- ۱۷۸ ..... مطلب نخست
- ۱۷۹ ..... مطلب دوم
- ۱۸۰ ..... مطلب سوم
- ۱۸۲ ..... گفتار نخست: احتیاط در معاملات
- ۱۸۵ ..... گفتار دوم: احتیاط در عبادات
- ۱۸۵ ..... (۱) عدم استلزام تکرار عمل
- ۱۸۶ ..... دیدگاه محقق نائینی قدس سره
- ۱۸۸ ..... (۲) استلزام تکرار عمل
- ۱۹۲ ..... فرع

## فصل پنجم: تقلید / ۱۹۶

- گفتار نخست: تعریف تقلید ..... ۱۹۶
- تعریف لغوی ..... ۱۹۶
- تعاریف اصطلاحی ..... ۱۹۶
- گفتار دوم: ادله تقلید ..... ۱۹۸
- دلیل عقلی ..... ۱۹۸
- دلیل شرعی ..... ۱۹۹
- ادله جواز تقلید از دیدگاه محقق خراسانی قدس سره ..... ۲۰۲
- بررسی ادله محقق خراسانی قدس سره ..... ۲۱۴
- عمل به احتیاط در صورت فقدان دلیل بر تقلید ..... ۲۱۶
- توهم و دفع آن ..... ۲۱۸
- ادله نقلی بر جواز تقلید ..... ۲۲۰
- مناقشه در برخی ادله جواز تقلید ..... ۲۶۰
- گفتار سوم: تقلید از اعلی ..... ۲۶۴
- دلیل اعتبار حجیت قول اعلی ..... ۲۶۶
- (ب) عدم احراز اختلاف با وجود احوال آن ..... ۲۶۸
- روایات دال بر اعتبار قول اعلی و آفته ..... ۲۶۹
- فروع ..... ۲۷۴
- گفتار چهارم: اشتراط حیات در مجتهد ..... ۲۷۹
- بیان شیخ الرئیس و نقد آن ..... ۲۸۳
- دیدگاه مختار ..... ۲۹۶
- تقلید استمراری از مجتهد متوفی اعلی یا محتمل الاعلمیة ..... ۲۹۷

## فصل ششم: فروع / ۳۰۰

- فرع نخست: عدول از مجتهد متوفی به زنده ..... ۳۰۰
- دیدگاه نخست ..... ۳۰۰
- دیدگاه دیگر ..... ۳۰۱
- فرع دوم: عدول از مجتهد زنده به زنده ..... ۳۰۳
- فرع سوم ..... ۳۰۴
- بیان محقق یزدی قدس سره ..... ۳۰۴
- تفصیل محقق خوئی قدس سره ..... ۳۰۴
- فرع چهارم: جواز یا عدم جواز بقاء بر تقلید از مجتهد متوفی ..... ۳۰۸

- الف) مواردی که نظر مجتهد زنده و مجتهد متوقّی یکسان باشد..... ٣٠٩
- ب) مواردی که نظر مجتهد زنده و مجتهد متوقّی اختلاف باشد..... ٣٠٩
- ج) مواردی که فتوای مجتهد متوقّی بر جواز بقای ولی فتوای مجتهد زنده بر وجوب بقاء باشد..... ٣١٠
- د) مواردی که فتوای مجتهد متوقّی بر وجوب بقاء است ولی فتوای مجتهد زنده بر جواز بقاء باشد..... ٣١٢
- ه) مواردی که فتوای هر دو مجتهد زنده و متوقّی بر وجوب بقاء باشد..... ٣١٢
- و) مواردی که فتوای مجتهد زنده بر حرمت بقای ولی فتوای مجتهد متوقّی بر جواز یا وجوب بقاء باشد..... ٣١٣
- ز) مواردی که فتوای مجتهد زنده بر حرمت بقای ولی فتوای مجتهد متوقّی بر جواز یا وجوب بقاء باشد..... ٣١٣
- فرع پنجم: عمل جاهل**..... ٣١٤
- اعمال جاهل مقصر ملتفت..... ٣١٤
- اعمال جاهل قاصر یا جاهل مقصر غافل..... ٣١٥
- دو مقام بحث در مهأله..... ٣١٥
- فرع ششم: عدم تقلید از مفضول**..... ٣٢١
- فرع هفتم: تقلید از غیر مجتهد**..... ٣٢٣
- فرع هشتم: طرق شناخت اجتهاد مجتهد**..... ٣٢٤
- الف) علم وجدانی..... ٣٢٤
- ب) اطمینان و وثوق اهل خبره..... ٣٢٥
- ج) گواهی عدلین (بینه) یا عدل..... ٣٢٥
- د) شیاع و فراگیری..... ٣٢٩
- فرع نهم: ظنّ به اعلمیت**..... ٣٣٠
- فرع دهم: شروط مرجع تقلید**..... ٣٣٣
- ١) بلوغ و عقل..... ٣٣٤
- ٢) عدالت..... ٣٣٦
- ٣) ایمان..... ٣٥٤
- ٤) مرد بودن..... ٣٥٧
- ٥) حرّیت..... ٣٦٢
- ٦) اجتهاد مطلق..... ٣٦٣
- ٧) زنده بودن..... ٣٦٤
- ٨) اعلمیت..... ٣٦٤

۳۶۴	.....	۹) حلال زادگی
۳۶۵	.....	۱۰) عدم دنیاطلبی
۳۶۶	.....	تنبيه
۳۶۸	.....	فرع یازدهم: زوال شروط مرجعیت
۳۶۹	.....	فرع دوازدهم: تقلید از غیر مجتهد جامع الشرائط
۳۷۰	.....	فرع سیزدهم
۳۷۱	.....	فرع چهاردهم: واجبات بر مکلف
۳۷۳	.....	الف) علم به اجزاء
۳۷۳	.....	ب) علم به شرایط
۳۷۳	.....	ج) علم به موانع (قواطع)
۳۷۸	.....	فرع پانزدهم
۳۷۸	.....	۱) وجوب یادگیری مسائل شک و سهو نماز
۳۷۹	.....	۲) وجوب یادگیری مسائل غالب الابتلاء
۳۷۹	.....	۳) بطلان نماز در فرض اطمینان به ابتلاء و عدم تعلم
۳۸۱	.....	بیان شیخ اعظم انصاری <small>رحمته الله علیه</small> و نقد آن
۳۸۳	.....	فرع شانزدهم: تقلید در مستحبات و مکروهات و مباحات
۳۸۶	.....	فرع هفدهم
۳۸۸	.....	فرع هجدهم: تبدل رأی مجتهد
۳۸۹	.....	فرع نوزدهم: عدول از فتوا
۳۹۰	.....	فرع بیستم: تبعیض در تقلید
۳۹۲	.....	اشکال محقق خوئی <small>رحمته الله علیه</small> و پاسخ آن
۳۹۵	.....	فرع بیست و یکم
۳۹۶	.....	فرع بیست و دوم
۳۹۸	.....	فرع بیست و سوم: راههای بدست آوردن فتوای مجتهد
۳۹۸	.....	۱) شنیدن فتوی از مجتهد
۳۹۸	.....	۲) خبر دادن دو مرد عادل
۳۹۹	.....	۳) خبر دادن یک مرد عادل یا یک راستگوی مورد اطمینان
۴۰۰	.....	۴) یافتن در رساله عملیه
۴۰۲	.....	فرع بیست و چهارم: تقلید از غیر اعلم
۴۰۲	.....	الف) تقلید از غیر مجتهد
۴۰۳	.....	ب) تقلید از غیر اعلم

- ج) تقلید از اعلم ماضی..... ۴۰۳
- فرع بیست و پنجم: تقلید در احتمال اعلیّت چند مجتهد ..... ۴۰۵
- (۱) امکان احتیاط..... ۴۰۵
- (۲) عدم امکان احتیاط..... ۴۰۶
- فرع بیست و ششم ..... ۴۰۸
- فرع بیست و هفتم: علم به عدم تقلید در عبادات و معاملات ..... ۴۰۹
- (الف) علم به کیفیت عمل..... ۴۰۹
- (ب) عدم علم به کیفیت عمل..... ۴۱۰
- دیدگاه محقق نائینی قدس سره و نقد آن..... ۴۱۲
- حکم عبادات بدون تقلید..... ۴۱۴
- حکم معاملات بدون تقلید..... ۴۱۵
- فرع بیست و هشتم: شکّ در تقلید ..... ۴۱۹
- (۱) احراز طریق معتبر در تقلید از همان ابتداء..... ۴۲۰
- (۲) احراز طریق معتبر در بقاء تقلید..... ۴۲۰
- فرع بیست و نهم: شکّ در شرایط مجتهد ..... ۴۲۲
- (۱) یقین به وجود شرایط مرجع و سپس شکّ در آن..... ۴۲۲
- (۲) در موارد شبهه حکمیة..... ۴۲۲
- (۳) در موارد قاعده یقین..... ۴۲۴
- فرع سیام: حرمت إفتاء و قضاوت برای نااهل..... ۴۲۷
- (۱) حرمت إفتاء بر غیر مجتهد..... ۴۲۸
- (۲) حرمت إفتاء بر مجتهد غیر جامع شرایط..... ۴۳۰
- (۳) حرمت طرح دعوا و گواهی نزد غیر مجتهد..... ۴۳۵
- دیدگاه مختار..... ۴۴۱
- فرع سی و یکم ..... ۴۴۲
- راه‌های تصحیح اعمال گذشته..... ۴۴۲
- وظیفه نسبت به اعمال آینده..... ۴۴۴
- فرع سی و دوم: وجوب تقلید از اعلم ..... ۴۴۵
- فرع سی و سوم: خطا در نقل فتوا ..... ۴۴۷



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### پیشگفتار به قلم محرّر

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

یکی از مباحث مهم در علم اصول فقه، توجه به اجتهاد و تقلید است و برخی از دانشمندان اسلامی، به ویژه متکلمان و فقیهان و اصولیان، رساله یا کتابی مستقل درباره آن نگاشته‌اند.

واژه اجتهاد به مفهوم سعی رسا و اهتمام بی‌دریغ و تکاپوی مستمر و پیوسته برای دستیابی به هدف است، و نیز تلاش توأم با رنج و سختی را گویند. این کلمه در اصطلاح به معنای قدرت علمی کسی بر استنباط احکام دینی از روی ادله و منابع مربوط به آن می‌باشد.<sup>۱</sup>

واژه تقلید، به معنای قلاده بر گردن دیگری انداختن، گردن‌بند به گردن انداختن، و در امور شرعی و عبادات، از مجتهدی تقلید کردن

۱. منتهی الاصول، ج ۲، ص ۶۳۰.

است. این کلمه در اصطلاح برخی اصولیان و فقهاء به معنای التزام عملی به فتوای مجتهد یا تطبیق وظایف دینی مطابق با فتوای مجتهد زنده است. به عبارتی دیگر عمل کردن به فتوای مجتهد در احکام شرعی، تقلید نامیده می‌شود.

تقلید از مجتهد نوعی پیروی عالمانه و آگاهانه است و تعبد محض محسوب نمی‌شود و آنچه در اسلام ممنوع است، تقلید کورکورانه و ناآگاهانه در امور منفی و ناپسند می‌باشد. به عبارتی روشن‌تر تقلید از مجتهد، در واقع رجوع به متخصص آگاه است، زیرا مکلف می‌داند که از طرفی باید بر انجام برخی احکام اهتمام ورزد و از جهتی دیگر باید احکامی را ترک کند.

برای این که مکلف یقین کند به تکالیفش عمل کرده است سه راه پیش رو دارد. نخست اینکه خودش، مجتهد شود و پس از طی مقدمات و تفحص در قرآن و سنت و قواعد فقه و اصول، مسائل شرعی را یکی پس از دیگری استخراج کرده و به آن عمل کند. دوم اینکه از تمام نظرات فقهاء آگاهی داشته و بر طبق فقهی عمل کند که یقین نماید روش احتیاط را در پیش گرفته و تکلیفش را انجام داده است. راه سوم آن است که از مجتهدی آگاه و جامع شرایط تقلید کند.

تقلید مذکور یک روش و شیوه عقلانی است که همه دانایان و حکیمان آن را پذیرفته‌اند. تمام افراد بشر برای رفع احتیاجات ضروری خود که قادر به تأمین آن نیستند، باید به فرد خبره و متخصص در آن مراجعه کنند؛ به عنوان نمونه کسی که بیمار است و قدرت درمان خویش را ندارد باید به پزشک مراجعه کند. در مورد احکام شرعی نیز باید به فقیه جامع شرایط رجوع کرد.

تقلید و رجوع به کارشناس در هر کاری یک سیره و سنت اجتماعی در میان عقلاء و خردمندان است که ادیان الهی نیز آن را

پذیرفته و امضاء کرده‌اند. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است؛ إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مَرَضَ فَقَالَ: لَا أَتَدَاوِي حَتَّى يَكُونَ الَّذِي أَمْرَضَنِي هُوَ الَّذِي يَشْفِينِي فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ لَا أَشْفِيكَ حَتَّى تَتَدَاوِي فَإِنَّ الشِّفَاءَ مِنِّي.<sup>۱</sup> یکی از پیامبران بیمار شد، پس گفت: خود را درمان نمی‌کنم تا همو که بیمارم کرده است شفایم دهد. خداوند تعالی به او وحی کرد که تا خود را درمان نکنی شفایت ندهم، زیرا شفا از من است.

در این نوشتار، خوانندگان عزیز، بحث اجهداد و تقلیدی را که تحریر صاحب این قلم از دوره دوم دروس خارج اصول استاد معظم حضرت آیه‌الله آقای حاج شیخ هادی نجفی (رحمته الله) از تاریخ ۱۴۰۱/۳/۲۳ تا ۱۴۰۱/۱۲/۲۲ در طی هشتاد و یک جلسه درسی در حوزه علمیه صدر بازار اصفهان صانها الله علی عن الحدثن ایراد و القاء شده است را پیگیری می‌نمایند. قابل ذکر است که صوت این دروس بر روی وبگاه استاد عزیز و محترم به آدرس «Alnajafi.ir» بارگذاری شده و در صورت تعارض یا ابهام در این نوشتار، صوت استاد ملاک می‌باشد. امید است که این کوشش مورد رضایت و خشنودی مولایمان حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) و استفاده علماء و فضلاء و فرهیختگان قرار گیرد.

چنانچه براین نوشتار ثوابی مترتب گردد، آن را به محضر سرور کائنات پیامبر خدا حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و رئیس مذهب تشیع، امام بحق ناطق حضرت جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) تقدیم می‌کنم.

۱. وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۷، باب ۴، ابواب الإحتضار.